



کولیان افزارمند اروپا

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
نوشته میکوش تومسکا

رتال جامع علوم انسانی

از جنگ جهانی دوم به بعد همراه با گسترش صنعت و افزایش استفاده از ماشین آلات کشاورزی، بسیاری از کولیها مجبور به رها کردن کارهای سنتی خویش شده، به صورت کارگر کارخانه درآمده‌اند و یا اینکه برای جبران کمبود خرج معاش خویش به کارهای فصلی روی آورده‌اند. تصویر بالا یک کولی را در حال جمع‌آوری محصول انگور تاستان می‌کند. ای در جنوب فرانسه نشان می‌دهد.

تاجران، بیکها، راهبان، خادمان رنگارنگ دربارهای سلطنتی و خاندانهای حاکم، انزارمندان دوره‌گرد، سربازان مزدور، و بالاتر از همه در بجهوه اسکان منظم گروههای مهاجر، کولیان توجه چندانی را به خود جلب نمی‌کردند. ادعای آنها مبنی بر اینکه آنها گروهی از زائران یا توبه‌کاران هستند براحتی مورد قبول واقع می‌شد.

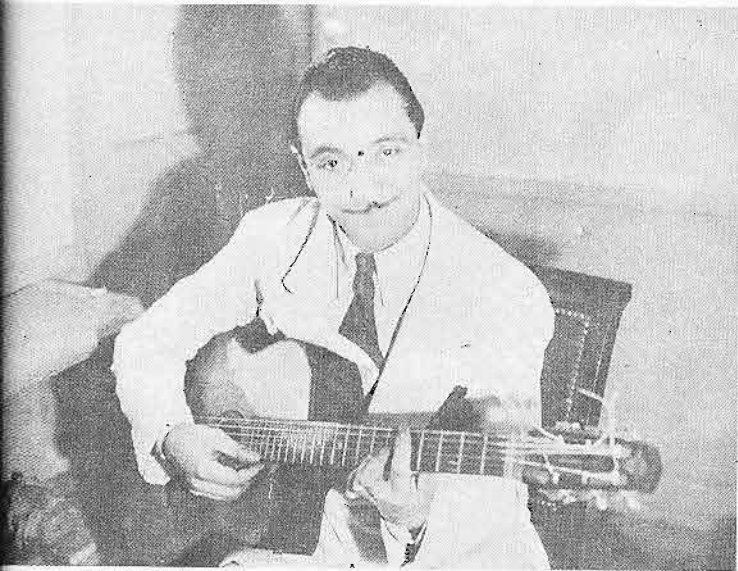
گرچه اجتماعات آنها گاهی بسیار بزرگ بود، با

پیش از فئودالی و دیگری بعد از فئودالی و آنگاه سرمایه‌داری بوده است.

احتمالاً تمام کولیان اروپا، شاید به استثنای کولیان اسپانیا، از اروپای مرکزی و شرقی عبور کرده‌اند و حتی امروز نیز محل زندگی سه‌چهارم کولیان در آنجاست. این ناحیه در فاصله میان قرن چهاردهم تا هفدهم دارای جمعیت نسبتاً کمی بوده است. تعداد شهرها نیز در این ناحیه اندک بوده و جنگها و نبردهای مرزی مرتباً سبب از میان رفتن جمعیت می‌شد. سازمان سیاسی غیر متمرکز و اغلب ابتدایی بود.

تنوع قومی و برخورد فعال با مردمان و فرهنگهای شرق رود بوگ و کوههای کارپات و گاهی با مردم آسیا و همچنین با مردم اروپای غربی از ویژگیهای فرهنگ فئودالی بود. نظام اجتماعی برای حرکت جمعیت و کاروانهایی از مردمانی با لباسهای غریب، ظاهری غیرمعمول و زبانی خارجی آمادگی داشت. در میان گروه

برطبق مطالعات مغرضانه‌ای که در دوران معاصر درباره کولیان اروپا صورت گرفته است کولیها دوره گردانی بدنام و از زیر کار دررو بشمار رفته‌اند که تنها گاه‌به‌گاه به کارهای سنتی خویش نظیر آهنگری، چوب‌بری و یا معامله فرش و اسب می‌پردازند. همچنین این فرض وجود دارد که کولیها در طی دوران ۶۰۰ ساله که در اروپا بوده‌اند همواره در حاشیه اجتماع زندگی و کار کرده‌اند. برعکس ما عقیده داریم که کولیها در طول چند صد سال اولیه زندگی خویش در اروپا به عنوان افزارمندی قابل احترام در اروپای مرکزی و شرقی پذیرفته شده بودند و تنها بعد از انقلاب سوزووازی - صتمتی بود که آنها به حاشیه‌های اجتماع رانده شدند. علاوه بر این، اعتقاد ما این است که نظرات موجود درباره کولیان در اروپای غربی، که از همان آغاز تفاوت‌های زیادی با یکدیگر داشتند، ناشی از شیوه‌های اقتصادی متضاد و نوع متفاوت زندگی بوده است که یکی از آنها بوضوح



اینهمه همواره آنچنانکه شایسته آن بودند مورد استقبال واقع می‌شدند. افزایش تعداد زمینهای عملاً بدون صاحب سبب شد که کولیا بتوانند بدون برخورد با مردم بومی بتدریج به آن مناطق رخنه کنند. برخورد فرهنگی نیز پیش نیامد، زیرا آخرین امواج مهاجرتهای قومی بستازگی فروکش کرده بود و آمدن گروههای نسبتاً بزرگی از مهاجران جدید هنوز در خاطر بسیاری از مردم زنده بود. تفاوتهای مذهبی، زبانی و رفتاری میان آنها و دیگران عادی تلقی می‌شد و به همین خاطر بود که از طریق تسلط بر زبان محلی، در آمدن به آئین «درست» و کانالهای دیگر به نحوی سازنده با دیگران همگون می‌شدند. هویت ملی و فرهنگی در آن زمان مهم نبود و مانع یکپارچگی اجتماعی - فرهنگی نمی‌شد. مسئله مهم این بود که این گروه نوریسیده چگونه خواهند توانست معاش خود را تأمین کنند. از لحاظ نظری تمام واهها به روی آنها باز بود و کولیا حتی در آن واحد به چند کار اشتغال داشتند. وقتنامه‌های مربوط به دوران فتودالی از دهکده‌های کولیان یا خانواده‌های کولیان که از طریق چوپانی یا دهقانی امرار معاش می‌کردند سخن می‌گویند.

اعطای القاب اثراتی به خانواده‌هایی با نام چیکانی یا زیگانی نشان‌دهنده شرکت کولیا در عملیات نظامی در همان اوایل است و نه تنها یکپارچگی کامل کولیا با دیگران را به ثبوت می‌رساند، بلکه پذیرش افراد آنان در طبقه حاکمه را نیز نشان می‌دهد. کولیا از همان آغاز نسبت به بعضی فعالیتها نظیر طلاشویی علاقه بیشتری نشان دادند و همین امر سبب شد که آنها در تماسی نزدیک با اربابان ملاک، روستائیان غیر کولی، نهادهای نظامی و سایر قسمتهای ساختار اجتماعی - فرهنگی قرار گیرند. این تماسهای ناگزیر و ظرفیت ذاتی مشاغل آنان احتمالاً همراه با تمایل آنان به بهره‌گیری از امکانات موجود اقتصادی و اجتماعی منجر به همگون شدن آنها با سایر اقوام گردید و خانواده‌های کولی پس از اندک زمانی منشأ قومی خویش را فراموش کردند.

البته امکانات شغلی مذکور به‌طور دائم وجود نداشت. جنگهای طولانی نظیر هجوم تاتارها به لهستان و مجارستان، و بخصوص پیشروی ترکهای آسیا به سوی بالکان، مجارستان و وین - که احتمالاً همین دست به دست شدن قدرت یکی از دلایل عمده مهاجرت کولیان به

۱ - به معنای کولی در زبان مجارستانی. - ۲

اروپا بوده است - سبب کاهش جمعیت بومی و غیرمسکون شدن مناطق شد. با اینهمه ثبات سیاسی ای که بعداً حاصل شد بزودی به ایجاد سکونتگاهها و تقسیم زمین منجر گردید، بطوری که به دست آوردن زمین مجانی نه امری قانونی بلکه امری استثنایی شد.

به همین نحو شغل نظامی گری نیز نمی‌توانست با زندگی مأنوس یک کولی در تناسب باشد و اگرچه بعضی از کولیان به این شغل درآمد بودند، با اینهمه نمی‌توانستند معاش خانواده گسترده خویش را از این طریق تأمین کنند. مشاغل نمونه‌وار کولیان آنهایی بودند که با نیازهای اجتماعی واقعی کشور میزبان سروکار داشتند و به صورتی موقت برای عده‌ای از آنها ایجاد کار می‌کردند. این شغلها عبارت بودند از آهنگری و ساختن اشیاء چوبی که زنان اغلب بسایبان مردان در آنها سهیم بودند، و سبدبافی، که کار جمع‌آوری تر که‌های آن برعهده زنان و کودکان و کار فروش آن برعهده زنان دوره‌گرد بود، و خشت‌زنی. و چنین بود که گروههایی از خانواده‌های کولیان تشکیل یک اجتماع کاری می‌دادند.

با اینکه میخ، درفش، دیگ، قابلمه، سفارها و آخوزه‌های چوبی، بشقاب و قاشق، سبدهای حصیری، چرخهای بارکشی، جارو و حصیرهای زمخت از وسایل اساسی در حیات روستا بودند، بسیاری از روستاهای کوچک از عهده ساختن آنها بر نمی‌آمدند. وانگهی نه رعایا و نه مردمان آزاد نمی‌توانستند در ازای خرید اشیاء پول بپردازند؛ معامله صرفاً به صورت بسایبای بود. و به همین خاطر معاملات مذکور نمی‌توانست افزارمندان شهر را به سوی خود جلب کند و در نتیجه قرنهای متمادی ساختن این کالاها و همچنین کالاهای دیگری نظیر آجر، زغال‌سنگ مورد نیاز برای ذوب فلزات، و زنگوله دام عمدتاً برعهده کولیا بود.

رشد روستاها و نیازهای آنها بسیاری از خانواده‌های افزارمند را مجبور کرد که به‌طور دائم مستقر شوند و به صورت چلنگران روستا و آهنگران اختصاصی اربابان بزرگ درآیند و یا تأمین سلاح برای دژها را برعهده گیرند. تولید قاشقهای چوبی و آجر مورد نیاز برای باروی روستاها نیز برعهده آنان بود. آن دسته از افزارمندان که کالاهای کمیاب و پردوامی نظیر آخوزه‌های چوبی می‌ساختند به زندگی سیار خویش ادامه دادند. اینها نیز مانند بقیه نقش فوق‌العاده مهمی داشتند. تا اواسط قرن

نوزدهم چنین انگاشته می‌شد که هیچ گروهی نمی‌تواند جای کولیان افزارمند را در اروپای شرقی پر کند. در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم بود که بین کولیان افزارمند و افزارمندان شهر یا اصناف تضاد منافع پیدا شد. این تضاد با پیدایش صنعت و مشکلاتی که برای افزارمندان دستکار فراهم آورد همچنان حادثتر شد. بخشی از گروه کولیان افزارمند که استقرار یافته بودند نا این زمان دیگر به طور کامل با روستائیان همگون گردیده بودند و راه برگشت برای آنان وجود نداشت. این گروه در نتیجه صنعتی شدن زندگی به صورت پرولتاریا درآمدند یا بیکار شدند و یا مجبور به مهاجرت شدند. آنهایی که به طور کامل همگون نشده بودند از روستا که خود در حال گذراندن دردهای زایمان دورانی نو بودند رانده شدند و واکنش این رانده شدگان در برابر از دست دادن وسایل معاش خویش این بود که به حال و هوای سابق خود بازگشتند. کولیا در مواجهه با جامعه غیر کولی به تقویت پیوندهای خانوادگی خویش پرداخته به صورت جامعه‌ای رقیب درآمدند.

کارهای دستی قدیمی کولیان از میان نرفتند، اما دیگر نمی‌توانستند تضمینی برای معاش کافی بسازند. جریان حاشیه‌نشین شدن کولیان به موازات فقر فزاینده و آثار ناگزیر آن نظیر کمبود بهداشت و میزان مرگ و میر بالا برای فرزندان کولیان ادامه یافت. مشاغلی که قبلاً بسیار احترام‌انگیز بودند، اکنون تنها اسباب کنجکاری بودند و صاحبان آنها اغلب از جامعه طرد می‌شدند. کولیا مجبور شدند منابع درآمد خویش را با شیوه‌های جدید مبارزه برای بقا تکمیل کنند و به این ترتیب کاملاً از جامعه جدا ماندند.

در قرن هجدهم و نوزدهم کولیان در اروپای مرکزی و شرقی مسئله ایجاد کردند: در اواخر قرن نوزدهم این مسئله به نحوی فزاینده صورتی چنانی به خود گرفت. به عنوان مثال در ۱۹۰۰ جنایاتی که کولیان مجارستان مرتکب شده بودند ۱/۷ برابر جنایات غیر کولیان بود. پانزده سال بعد این رقم به ۴/۳ برابر رسید و تقریباً سه برابر شد. جای این بحث که آیا میزان جنایات انجام شده توسط کولیان واقعاً بالا بود یا اینکه مأموران مقامات قضایی آن را بزرگ کرده‌اند اینجا نیست. به هر حال آمارها نشان دهنده افزایش مسائل ناشی از کولیان هستند. بعد از جنگ جهانی دوم عامل جدیدی به میان



ساختن وسایل چوبی، فلزگری و سببافی همواره جزء کارهای دستی سنتی کولیان بوده‌اند. تصویر سمت چپ یک کولی ایرلندی را در حال تعمیر یک سطل و تصویر بالا، سمت راست، کولی دیگری را در حال سببافی در تسالونیک یونان نشان می‌دهد. بسیاری از آنها نیز البته به فعالیتهای برجسته‌تری که ناشی از نزدیک شدن بیشتر به اجتماع پیرامون می‌باشد پرداخته‌اند - نمونه بارز این امر جانگودینهارد (۱۹۱۰ - ۱۹۵۳) گیتاریست و آهنگساز فرانسوی است که اصلاً از کولیهای بلژیک می‌باشد (تصویر بالا، وسط) و شکلی از موسیقی جاز همراه با حال و هوای زندگی کولیان ابداع کرده است. نمونه دیگر سابی یاردانوف فیزیکیان می‌باشد که تصویر فوق او را در آزمایشگاه بیمارستانی در سلیمان سلغارستان نشان می‌دهد.

آمد. افزایش استفاده از ماشینهای کشاورزی و وسایل نقلیه موتوری وجود اسب را زائد و کار دلالان اسب را از دور خارج کرد. مجتمع‌های دورافتاده کولیان به کارهای دستی سنتی خویش ادامه می‌دهند، اما تعداد کثیری از آنان در اروپای مرکزی و شرقی در حال رها کردن کارهای دستی سنتی و تبدیل شدن به کارگرهای صنعتی و ساختمانی هستند. آشنایی با شیوه سکونت جدید و زندگی در خانه‌های مزرعه‌دار و همچنین چند سالی حضور در مدرسه بار دیگر تسهیلاتی جهت همگون شدن کولیان با جوامع غیرکولی در اختیار آنها گذاشته است، اما این همگونی این بار نه از طریق پرداختن به کارهای سنتی بلکه از طریق رها کردن گذشته صورت می‌گیرد. حرفه‌های کولیا اکنون تنها برای دانشجویان رشته فولکلور جالب است.

کولیا هنگام ورود به کشورهای اروپای غربی با برخوردی دوستانه مواجه شدند، زیرا توصیه نامه‌های خوبی با خود داشتند و مردم می‌دانستند که آنها در آنجا مقیم نخواهند شد بلکه به صورت بیگانگانی بی‌آزار صرفاً از آنجا عبور خواهند کرد. (اکنون ما می‌دانیم که دست کم بعضی از آن توصیه نامه‌ها جعلی بوده‌اند). با اینهمه به محض اینکه اقامت آنها اندکی طولانی شد سوالاتی در ذهن مردم پیدا شد: اینها در کدام زمینها اقامت خواهند کرد و هزینه امرار معاش خویش را چگونه خواهند پرداخت؟



فئودالی که بعداً به صورت جامعه بورژوازی درآمد، چوش خوردند.

اجتماعات کولیان بعد از رشد صنعت، با مطرح کردن حقوق بشری و در عین حال بازگشت عاشقانه به گذشته، صحنه جدیدی ساختند. در جامعه مرفه کنونی انواع تسهیلات از زندگی در واگن یا کشتی گرفته تا تجارت انواع کالاها، دستی سنتی امکان‌پذیر است. به این ترتیب بعضی از خانواده‌های کولی توانسته‌اند به مشاغل و شیوه‌های کهن زندگی خویش ادامه دهند و یا ستهای جدیدی نظیر وارد شدن در بازار عتیقه و فرش را بنیاد بکنند. البته اکنون می‌توان این سؤال را مطرح ساخت که آیا این فعالیتهای در واقع همان مشغلهای سنتی سابق‌اند، همان حرفه‌های غربی‌های ریشه کن شده‌اند، یا در واقع صرفاً فعالیتهایی هستند برای جلب جهانگردان. ■

میکلوش تومکا، اقتصاددان و جامعه‌شناس مجارستانی، در مرکز تحقیقاتی ارتباطات توده‌ای بوداپست کار می‌کند و در دانشگاه ایوتوش لورانت درس می‌دهد. تومکا معاون هیئت پژوهشی جامعه‌شناسی مذاهب وابسته به انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی است و در زمینه مسائل اقلیهای قومی تخصص دارد.

جمعیت مترکم، شبکه منظم سازمان سیاسی و اقتصاد بسیار پیشرفته جایی برای اقامت کولیا و اطمینانی برای معاش آنها باقی نمی‌گذاشت.

تعداد حرفه‌هایی که کولیان قانوناً می‌توانستند به آنها بپردازند - نظیر کارهای نمایشی که در فاصله قرن پانزدهم تا هجدهم خطر آنها بیش از درآمدشان بود - بسیار کم بود. بسیاری از این فعالیتهای خارج از محدوده اقتصاد حاکم بود (مانند اغلب خرید و فروشها و کارهای دستی) و یا اینکه همچون فال‌بینی یا عقیده رسمی آن روزگار تعارض داشت.

کولیا از ضعف و تردید موجود در نظام حاکم، نظیر اوضاع متفاوت اقتصادی و شیوه‌های قضایی رایج در کشورها، زیرکانه سود می‌جستند. با اینهمه قوانین آنها را مجبور به ترک کشور می‌کرد به طوری که سرپیچی از آنها مستوجب مجازاتهای دردناک بود و در بعضی جاها از طریق غیرقانونی اعلام کردن و آزارهای مکرر نسبت به کولیان آنها را تازومار کردند. اغلب آنها در اروپای مرکزی و شرقی ماندند و یا بدانجا بازگشتند. تعداد کمی از این گروههای کوچک در حاشیه اجتماع روزگار می‌گذراندند و سرانجام با سایر زواند اوآخسر جسامعه